

زینت‌گرایی و جوانی از منظر آیات قرآنی

مهرناز باشی‌زاده‌مقدم (دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث)

mbashizadeh@yahoo.com

علی‌راد (دانشیار دانشگاه تهران)

ali.rad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

چکیده



نیمسالنامه علمی ترویجی - شماره بیست و نهم - بهار و تابستان ۱۳۹۹

مطابق آیه ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ﴾، برخی مفسران، گرایش‌های پنجگانه «لعب»، «لهو»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» را از جمله عمده‌ترین گرایش‌های انسانی برشمرده و آنها را با پنج دوره سنی حیات دنیوی انسان یعنی «کودکی»، «نوجوانی»، «جوانی»، «میانسالی» و «کهنسالی» مرتبط دانسته‌اند. در این میان، گرایش «زینت» با دوره جوانی، یعنی بهار عمر و زیباترین فصل حیات دنیوی انسان، متناظر است. به لحاظ معناشناسی، مطلق زیبایی، از جمله معانی زینت است و جوان که به بیان قرآن در این دوره در نهایت قوت و از سویی بالندگی و زیبایی جسمانی است، خود مصداق تام زینت است. این پژوهش درصدد تبیین اوصاف زینت‌گرایی از منظر آیات قرآن و تفاسیر آنها و پیوند این گرایش با شاخصه‌های دوران جوانی از دیدگاه روانشناسی رشد است. مطابق آیات قرآنی، زینت‌گرایی، محدود به بازه سنی خاصی نیست، اما با توجه به شاخصه‌های دوران جوانی، ظهور و پدیداری این گرایش می‌تواند در این ایام باشد. از منظر قرآن، زینت‌گرایی، دو سویه «مذموم خودنمایی» و «ممدوح خودآرایی» را در محدوده شریعت داراست. برترین زینت از دیدگاه قرآن، زینت قلب، یعنی ایمان است و جوانان آراسته به این زینت در کلام وحی ستوده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ادوار حیات انسانی، جوانی، زینت، قرآن.

درآمد

زینت‌گرایی از جمله‌گرایش‌های ذاتی انسان است. زیبایی، بصورت مطلق خود بمعنای زینت است و طبق دیدگاه تفسیری؛ اوج ظهور و پدیداری این‌گرایش می‌تواند متناظر با دوره جوانی یعنی بهار عمر و زیباترین فصل حیات آدمی باشد. از سویی، جوان که در این دوران در پی ابراز وجود و اثبات شخصیت خویش است، چه بسا در کنار زیور ذاتیش، یعنی طراوت جوانی، خود را به زیورهای مادی و معنوی بیشتری بیاراید، هرچند گرایش زینت می‌تواند سوبه ممدوح و مذموم داشته باشد. برخی آیات قرآنی به مؤلفه‌هایی از زینت‌گرایی اشاره دارند که با شاخصه‌های دوره جوانی در پیوند است.

۱- معناشناسی «زینت»

«زینت» اسمی است جامع برای هر آن چیزی که با آن آراستگی صورت گیرد و از جمله آن زیور آلات، لباس و مانند آن است (ابن منظور، ۱۴۰۸: زینة). از یک منظر، آرایه‌ها و زینت‌ها اقسام متفاوتی دارند. چه بسا آراستگی و زیبایی چون علم، زینت نفس باشد و یا همچون طراوت جوانی زینت بدن، و یا مانند مال و مقام زینت خارجی (راغب، ۱۴۱۲: زینة). از سویی مطلق زیبایی خود زینت است و ریشه «زینة» یعنی «زی‌ن»، بیانگر نیکویی در ظاهر هر چیز است، خواه این نیکویی عرضی باشد یا ذاتی (مصطفوی، ۱۳۸۶: زینة). در بیان قرآنی گاه واژه «زینة» با «زخرف» (انعام: ۱۱۲)، «ریش» (اعراف: ۲۶) «جمال» (نحل: ۶۶) و «حلیة» (نحل: ۱۴؛ فاطر: ۱۲) یکی دانسته شده و در معنای لباس، فلزات قیمتی، اسباب و لوازم خانه نیز آورده شده است.

۲- اوصاف زینت‌گرایی از منظر آیات قرآنی و پیوند آن با دوره جوانی

سومین‌گرایی، که مطابق آیه ۲۰ سوره حدید از منظر تفسیری با دوره سوم حیات آدمی یعنی جوانی متناظر است گرایش «زینت» است.^۹ جوانی دوره‌ای شکوهمند، پر اوج و بی‌بازگشت است. دوره‌ای که به لحاظ رشد جسمانی، شناختی و هیجانی-اجتماعی، اقتضانات خود را داراست. در

^۹ . مقصود آیه «اغْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ» (حدید: ۲۰) و تفاسیر متناظر با آن است (نک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶۴/۱۹؛ صادقی، ۱۳۶۵: ۲۸/۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۱/۲۳ و ۳۵۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۲).

این دوره، کم‌آگاهی، شتابناکی، ناهشیاری، خودشیفتگی و کم‌تجربگی با خصلت‌هایی همانند امیدواری، جستجوگری، حق‌طلبی، عاطفه‌مندی و خوداتکایی پیوند می‌خورد. در مورد محدوده سنی جوانی در بین روانشناسان اختلاف‌نظر وجود دارد.^{۱۰} مطابق دیدگاه‌های مشهور روانشناسی رشد، دوره جوانی به بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سالگی یا ۲۰ تا ۴۰ سالگی اطلاق می‌شود (برک، ۱۳۹۰: ۳۳۱ و ۳۳۲).

شاید از مهمترین خصوصیات دوره جوانی که در پی رشد جسمی حاصل می‌آید، نهایت بالندگی و زیبایی و چنانکه در تعبیر قرآنی آمده، قوّت و قدرت جسمی باشد (روم: ۵۴). از سویی حبّ جمال و خودآرایی، امری فطری است و عموم افراد تمایل و گرایش به زیبایی دارند و این گرایش در نهاد همگان وجود دارد و از آن تعبیر به زیبایی‌پرستی و زیبایی‌ستانی می‌شود، اما همچون سایر گرایش‌ها، این گرایش نیز می‌تواند دچار افراط یا تفریط گردد (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۷: ۹۴).

«زینت‌گرایی» از ملازمات دوره جوانی است، چرا که جوان شیفته اظهار وجود و دل‌باخته ابراز لیاقت‌ها و شایستگی‌هاست. برای جوان، اثبات شخصیت اجتماعی، مطبوع‌ترین و شیرین‌ترین لذت روحی است و برای نیل به این مقصود از هیچ‌کاری فروگذار نمی‌کند (علیزاده، ۱۳۸۵: ۳۲). در این میان از آنجا که در جوان، زیبایی جسمانی به اوج خود می‌رسد، این امر جسمانی، روح او را به خویش مشغول کرده و یکی از سرگرمی‌های جوان، رسیدگی کردن و افزودن به زیبایی جسمانی‌اش می‌شود (فخرایی، اسلام‌پورکریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). همچنین حس خودشیفتگی و جلوه‌گری او باعث می‌شود آراستگی و زینت‌گرایی نه تنها در ظاهر بلکه در رفتار و گفتار او نیز تجلی یابد. از دلایل جلوه‌گری از طریق زینت در میان جوانان، مقبولیت در میان گروه‌های سنی

^{۱۰} برجسته‌ترین پژوهشگران حوزه جوانان، تعریف جوانی به لحاظ بازه مرتبط با این دوره را متفاوت بیان کرده‌اند؛ برخی آن را بازه پانزده تا بیست و چهارسالگی بیان نموده‌اند. اما برطبق گزارش منابع انسانی سازمان ملل متحد، این بازه با توجه به هر کشور می‌تواند متفاوت باشد. چنانکه برای کشور اردن این بازه پانزده تا بیست و نه سالگی بیان شده است. به هر حال آنچه در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل آمده، هماهنگ با روایتی از امام صادق [ع] در این باره است. (محمدی ری‌شهری، محمد، بهار زندگی (برگرفته از حکمت‌نامه جوان)، با همکاری: احمد، غلامعلی، گزینش: مرتضی خوش نصیب، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۳: ص ۱۴ و ۱۵).

مشابه، بالاتر و همچنین جنس مخالف است. (دایان ای، ۱۳۹۲: ۵۴۵) بهار جوانی که دوره زینت عمر آدمی است، به اعتبارات مختلف، شاخصه‌ها و اوصاف خاص خود را داراست. از سویی گرایش زینت در آیات قرآنی، اوصاف و شاخصه‌هایی دارد که پیوند این گرایش با دوره جوانی از منظر آیات قرآنی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ریشه «زین» در قرآن در ۴۴ مورد بکار رفته است. واژه «زینة» در ۱۱ مورد و ترکیب این واژه با ضمیرهای متصل در ۸ مورد بکار رفته است. چنانکه در بخش معناشناسی بیان شد؛ واژه «زینة» به لحاظ مفهوم با واژگان قرآنی دیگر نیز مرتبط است. در اینجا به بررسی آیاتی از گرایش زینت می‌پردازیم که با اوصاف جوانان و دوره جوانی پیوند دارد.

۲-۱- «زینت» و نیکونمایی

بسیار دیده‌ایم که روحیه خودشیفتگی جوان باعث می‌شود خود را به گونه‌های مختلف بیاراید. زینت جوان، الزاماً لباس و آرایش‌های ظاهری و زیور آلات نیست. اندیشه نو و خلاق جوان هم گاه زینت اوست که به معرض نمایش می‌گذارد. بطور کلی، زینت باید بگونه‌ای باشد که در معرض دید سایرین قرار گیرد و تأثیری روانی بر آنها گذارد. یعنی یا موجب تحسین و تمجید آنها شود و آنها را به تفکر در مورد زینت‌کننده وادارد و یا موجب عبرت و استدلال در مورد امری خاص باشد.

یکی از عام‌ترین جلوه‌های نیکونمایی، خودآرایی و خودنمایی است که گرچه ممکن است مقارن هم ظهور می‌کنند اما دو مفهوم و دو واقعیت متمایزند. خودآرایی امری فطری است و افراد، تمایل و گرایش به جمال و زیبایی دارند. بر اثر این تمایل است که انسان آنچه را زیبا بداند، دوست دارد و دوست می‌دارد که خود نیز از زیبایی و جمال همه‌جانبه بهره‌مند شود. هرچند ممکن است این تمایل و گرایش مانند گرایش‌های دیگر دچار افراط و تفریط شود. خودآرایی جوانان چنانکه در مقدمه این بخش بیان شد یا برای نیکونمایی در چشم همسالان است و یا بزرگسالان و جنس مخالفشان. در آیات قرآنی، اغلب نیکونمایی که از جانب خداوند صورت گرفته



برای ایجاد پرسشی مقدر یا محسوس در مورد خالق زیبایی هاست.^{۱۱} (فخرایی، اسلامپورکریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

در این میان بدیهی است که لباس و انواع آرایه‌ها و پوشش‌های ظاهری بعنوان یکی از عناصر زیبانمایی، جایگاهی ویژه دارد. پیدایش و وجود لباس و پوشش به لحاظ امنیتی، اجتماعی و روانی مهم است، تا جایی که می‌توان گفت از جمله مهمترین وجه‌های روانی پوشش یا لباس وجه خودآرایی در معنای مثبت و خودنمایی در معنای منفی آن است. چرا که لباس در معنای زینت، زشتی‌ها را می‌پوشاند و شخص را آراسته و نیکو جلوه می‌دهد. جوان که در سنین جوانی در اوج بالندگی جسمی است و از سویی به لحاظ روانی در پی هویت‌یابی و شخصیت‌سازی است بیش از سایرین به پوشش ظاهری خود توجه می‌کند؛ چرا که لباس خانه دَوم او می‌شود و او با نحوه پوشش خود بخشی از هویت و باورهای خود را ابراز می‌کند.

بسیاری از آیات قرآنی به مسأله پوشش از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند، در آیه‌ای، از لباس بعنوان پوشاننده زشتی‌ها یاد شده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۲۶). آیه‌ای دیگر زینت و از جمله پوشش آراسته را از مقدمات عبادت ذکر می‌کند: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف: ۳۱). برخی آیات به پوشش زیبا و زینت‌های بهشتیان اشاره دارند: ﴿يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ (دخان: ۵۳) و یا ﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ (فاطر: ۳۳). همه این آیات، بیانگر این امر هستند که پوشش بعنوان زینت مورد توجه است.

از سویی از منظری دیگر در برخی آیات، احکام شرعی پوشش بیان شده است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ

^{۱۱} . اشاره به آیاتی است که در مورد زیبایی‌ها و زینت‌های موجود در طبیعت سخن می‌گویند: ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ﴾ (حجر: ۱۶)، ﴿وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَزْكَبُوها وَزِينَةٌ وَيَخْتَلِقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۸)، ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾ (نحل: ۶)، ﴿أَمْنَ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾ (نمل: ۶۰)، ﴿فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا وَقَالَتْ أُخْرَجْنَ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْتهُ أَكْبَرْتَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيهِنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ﴾ (یوسف: ۳۱)

بُخْمَرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿نور: ۳۱﴾. با دقت در فحوای آیات مربوط به حجاب روشن می‌گردد که جلوه‌گری‌ها و خودنمایی‌ها، بیشتر از آن کسانی است که در برهه جوانی قرار دارند نه کسانی که در سنین کهنسالی هستند. چنانکه در آیه ۶۰ سوره نور آمده است که بر زنان از کار افتاده‌ای که امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند، هرچند عفت ورزیدن برای آنها نیز بهتر است: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۶۰). همچنین اگر به مردان مؤمن توصیه شده که چشم خود را فرو افکنند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور: ۳۰). قطعاً با توجه به جاذبه‌های جنسی برای جوان این توصیه در مورد مردان جوان بیش از کهنسال مؤکد است تا زیبایی‌های جنس مخالف خصوصاً زنان جوان آنها را به دام گناه نیافکند.

خودنمایی که سویه منفی نیکونمایی است در مرحله واضح و آشکارش با نشان دادن جسم و اندام همراه است. از آنجا که دوره جوانی، اوج زیبایی و آراستگی ظاهری آدمی است جوانان به این خودنمایی بیش از سایرین گرایش دارند. این خودنمایی غالباً با آرایش توأم است. اگرچه این امر تنها در نمایش و آرایش بدن و اندام‌های جسمانی خلاصه نمی‌شود، بلکه با نمایش و آرایش در لباس نیز همراه است، و گاه در نحوه گفتار و رفتار هم تسری می‌یابد. بخشی از این خودنمایی می‌تواند متأثر از غریزه جنسی باشد که بعنوان نیروی محرکه، در جوان نوری که احتیاجات جدیدی دارد بروز می‌کند (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۰). اما کلام وحی و روایات کرانه‌های این نیکونمایی را چنانکه در آیات فوق بیان شد، مشخص نموده‌اند.

همچنین از جمله مصادیق قرآنی خودنمایی که کلام وحی از آن نهی فرموده، نحوه پوشش زنان و پرهیز از زینت، آرایش و هرگونه جلوه‌نمایی برای نامحرمان است. توصیه شده زنان مؤمنه عفاف را از جنبه‌های گوناگون رعایت کنند (نور: ۳۱؛ احزاب: ۳۳، ۹۹) و یا ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب: ۳۳). با توجه به این آیه، شاید بهترین مصداق جاهلیت

اخری یا «جاهلیت ثانیه» که جاهلیتی است که بعداً پیدا خواهد شد، «مدگرایی» باشد. حقیقت «مد» اینگونه بیان شده است: «مد از لحاظ روانی، با نوعی خودنمایی و نیاز به جلب توجه دیگران به خود بستگی دارد و این نیاز را باید در بافتی از چشم و هم‌چشمی جنسی و اجتماعی درک کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۹۰).

پرواضح است که جوان که در اوج بالندگی و زیبایی جوانی و از سوئی در پی یافتن هویت و ابراز وجود است به «مدگرایی» که نوعی خودنمایی است گرایش پیدا کند. جوانان پیشقدمان زیبایی هستند و ارزش‌های مربوط به جمال‌پسندی را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند و سیر در تماشای جمال، یکی از فعالیت‌هایی است که جوانان به آن بسیار علاقمندند و زیبایی در ایشان یک نوع لذت ایجاد می‌کند (فلسفی، ۱۳۴۴: ۸).

لازم به ذکر است اگرچه حس خودآرایی در جوان بیش از سایر اقشار سنی وجود دارد؛ اما از سوئی نیز بصورت اختصاصی‌تر، این میل در زنان بیش از مردان است و اگر در بیشتر دستورات قرآنی پوشش، اختصاص به زنان یافته به این دلیل است که میل زن به خودآرایی با توجه به زیبایی‌های فیزیکی او بیشتر است. بسیار نادر است که مردان، لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند مگر در مواردی که به لحاظ هویت جنسی، مرد دچار اختلالی باشد. این زن است که می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته خویش نماید. از همین رو دستورات پوشش بیشتر برای او مقرر گردیده است (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۳۶).

۲-۲- «زینت» و زندگی دنیا

دسته دیگری از آیات، در مورد زینت‌های زندگی دنیاست که شامل زن، فرزند، مال، مرکب، کشت و زرع است و از آنها بعنوان متاع زودگذر زندگی دنیا یاد شده است: ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (آل عمران: ۱۴)، که هرچند بدون آنها نمی‌توان زندگی کرد، و حتی پیمودن راه معنویت و سعادت نیز بدون وسایل مادی غیرممکن است. اما استفاده کردن از آنها در این مسیر مطلبی است و دل‌بستگی فوق‌العاده و پرستش آنها و هدف‌نهایی بودن آنها، مطلبی دیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ۲/۴۳۶). جوان که در این ایام دچار تغییرات فیزیولوژیک و جنسی می‌شود، تمایل به جنس مخالف در او بروز می‌یابد که اگر این

تمایل در مسیر درست هدایت شود زمینه ازدواج و تشکیل خانواده برای او فراهم می‌گردد. از سویی روحیه استقلال طلبی و ابراز وجود او را به سمت جاذبه‌های مادی و دارایی‌ها می‌کشاند. چنانکه قرآن از همه این موارد به عنوان زینت‌های دوست‌داشتنی یاد می‌کند، اما در نهایت آنها را متاع زودگذر دنیوی می‌شمارد.

در برخی آیات، زندگی زینت‌یافته دنیا از سلامت، امنیت، فزونی اموال، ریاست و غیر آن، ابزار امتحان معرفی شده است (الوسی، ۱۴۱۵: ق: ۲۲۵/۶). آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾ (هود: ۱۵)، بیانگر یک سنت همیشگی الهی است که اعمال مثبت و مؤثر و نتایج آن از میان نمی‌رود. با این تفاوت که اگر هدف اصلی رسیدن به زندگی مادی این جهان باشد ثمره آن چیزی جز آن نخواهد بود و اما اگر هدف، خدا و جلب رضای او باشد هم در این جهان تأثیر خواهد بخشید و هم نتایج پرباری برای جهان دیگر خواهد داشت (بابایی، ۱۳۸۲: ۳۲۲/۲). و نکته مهم اینکه همه آنچه از ابزار امتحان به عنوان زینت نام برده می‌شود، زینت ارض یا زمین است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (کهف: ۷)، ﴿الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا﴾ (کهف: ۴۶). البته زینت برای جنبه زمینی انسان است، لیکن از منظر قرآن حیثیت اساسی انسان در این بخش نیست و ایمان و عمل صالح زیور اصلی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۲۷/۱۲). نیز در برخی از آیات به عدم بقا و دوام زینت‌های دنیا تصریح شده است که تعبیر «حیة‌الدنیا» در معنای زندگی زودگذر و پایان‌پذیری است که در مقابل زندگی جاودانی و ابدی به ما نزدیک‌تر است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۲/۱۶) ﴿أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (قصص: ۶۰).

با توجه به همه آیات فوق و آنچه از خصوصیات زندگی دنیا و زینت‌های آن در آیات قرآنی ذکر شد، از جمله ابزار امتحان بودن و زودگذر بودن آن و از سویی با توجه به روحیه آرمان‌گرایی و کمال‌طلبی جوان و جاذبه‌ای که همه زینت‌های دنیایی برای او دارد، به نظر می‌رسد اگر جوان تحت هدایت‌گری‌های الگو و هادی به‌حقی قرار گیرد، از همین دوره در مسیر رسیدن به اهداف اصلی و غایی آفرینش انسان گام خواهد برداشت. نگاهی گذرا به پاره‌ای از رفتارهای جوان ممکن است ادعای فوق را زیر سؤال ببرد. چرا که در ایام جوانی خودپرستی، استقلال‌طلبی، تمرد، غلیان شهوت و ... بروز و ظهور می‌یابد. اما بسیاری از رفتارهای به ظاهر منفی جوان، ریشه

در کمال طلبی و آرمان خواهی او دارد. او به دنبال حقیقت زندگی است و خواه ناخواه از هرگونه مضیقه‌ای گریزان است. او به ترقیات خود علاقه‌مند است و از این‌رو به مبارزه با کمی‌ها و کاستی‌ها می‌پردازد و در این دوران، میل به کمال مطلوب، جای علایق عملی و آنی را می‌گیرد (سجادی، ۱۳۸۵: ۲۸۹-۲۹۰). لذا تعاریف روشن قرآنی در تبیین ماهیت زندگی دنیا برای جوان آرمان‌گرا، نقشه راهی برای جهت‌گیری مناسب به سوی اهداف او خواهد بود.

۲-۳- زینت ایمان

در برخی آیات، از زینت و آراستگی سخن رفته که محسوس و ملموس نیست بلکه زینت‌هایی از مقولات انتزاعی و معنوی است. واضح است که جوان در دوره جوانی به اوج رشد شناختی دست می‌یابد. پس می‌تواند درک درستی از زیبایی‌های حقیقی داشته باشد. خداوند سبحان در قرآن از «زینت ایمان» در قلوب مؤمنان سخن گفته است: ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ (حجرات: ۷).

چنانکه گفتیم توأم با بلوغ فکری که از دوره نوجوانی آغاز می‌شود، گویی جوان به ندای فطرت حق طلبی خود پاسخ می‌دهد و ایمان را در ساحت باور و عمل محقق می‌کند. چنانکه تمایل به خودسازی، رسیدن به باور مذهبی، علاقه به کمال اخلاقی و تعقیب آرمان جامعه‌سازی، جوانان را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد و نوعی رویارویی بین آنها و جامعه بزرگسالان پدید می‌آید (همان: ۱۶). در قرآن کریم نمونه‌های بسیاری از جوانانی یاد شده که در سایه آراستگی به «زینت ایمان»، کارهای شگرفی کرده‌اند و از آزمون‌های الهی سربلند بیرون آمده‌اند، از جمله: حضرت ابراهیم ع که در جوانی به رشد لازم دست یافت و بر این اساس به سراغ بت‌شکنی و پیامد منفی آن شتافت: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ (انبیاء: ۵۱ و ۵۲). در جایی دیگر اسماعیل ع در سنین نوجوانی به اوج بردباری و حلم، قدم نهاد و در پاسخ مشورت خواهی پدرش که خواب دیده بود وی را سر می‌برد، گفت: به مأموریت عمل کن و خواست خداوند را انجام بده. مرا ثابت قدم خواهی یافت: ﴿فَبَشِّرْنَاهُ بِعُلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (صافات: ۱۰۱ و ۱۰۵). در

ماجرای اصحاب کهف، تعدادی از کاخ‌نشینان جوان، به جنگ و مخالفت با محیط آلوده به شرک، بت‌پرستی و خودکامگی برخاسته و به قصد حفظ ایمان و باورشان به زندگی در آسایش و رفاه، پشت پا زده و راه هجرت و آوارگی را در پیش گرفتند و با انتخاب زندگی جدید، خواب و مرگ ویژه خود، معجزه به یاد ماندنی را در تاریخ به ثبت رساندند: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَدَّنَاهُمْ هُدًى وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا﴾ (کهف: ۱۴ و ۱۳). و نیز یوسف ﷻ هنگامی که به سنین جوانی می‌رسد، بانوی عزیز مصر و بعد دیگر زنان مصری او را به خود می‌خوانند و او به قدرت ایمان، عفت نفس و طهارت دامن خود را حفظ می‌کند و قدرت خویش برای رویارویی در برابر نفس امّاره را به خدا منتسب می‌کند: ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ و نیز ﴿وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (یوسف: ۲۲ و ۵۳). و یا در جریان هجرت پیامبر ﷺ آنگاه که علی ﷻ در بستر رسول خدا ﷺ می‌خوابد، در شأن امیر و اسوه مؤمنان آیه نازل می‌شود: آنکه جان خویش را تنها برای رضای خدا می‌فروشد؛ ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره: ۲۰۷). این مثال‌ها نمونه‌هایی از جوانانی هستند که ایمان در قلوبشان به زیباترین صورت زینت‌یافته و از کفر و فسوق عصیان، بری شده‌اند. بعید نیست که جوان با تغییرات فیزیولوژیک و هورمونی و تضادها و تعارض‌های درونی، بیش از سایر گروه‌های سنی تحت تأثیر نفس امّاره باشد. اما اگر جوانی بتواند در میان همه تلاطم‌ها و هجمه‌های نفسانی پاسدار «زینت قلبش» یعنی ایمان باشد در زمره کسانی قرار می‌گیرد که به حقیقت رشدیافته است. چنانکه کلام وحی آنها را ﴿أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ (حجرات: ۷) معرفی می‌کند، همانطور که در آیه ۵۱ سوره انبیاء، ابراهیم ﷺ رشدیافته نام برده شد: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ﴾ در حالیکه قرآن فرعون را رشدیافته نمی‌داند ﴿وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ﴾ (هود: ۹۷) (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۰/۷).

۲-۴- زینت عمل

از دیگر زینت‌های مطرح شده در قرآن کریم، «زینت اعمال» است که در برخی آیات بصورت مطلق عمل و در برخی آیات دیگر، مقید به زینت سوء و بد شده است. زینت دادن عمل این است که عمل را طوری قرار دهند که آدمی مجذوب و شیفته آن شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق:

۳۴۰/۱۵) و آن را نیک ببینید و سعی نمایید که آن عمل را تکرار کرده و یا اعمالی همانند آن انجام دهد. برخی معتقدند زینت دادن عمل مربوط به هر دو عمل خیر و شر است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۱/۱۴۱). این که چه کسی اعمال بدکاران را در نظرشان زیبا جلوه می‌دهد با توجه به آیات می‌توان سه مورد را ذکر کرد: ۱- خداوند. ۲- شیطان. ۳- گاهی تزیین بصورت فعل مجهول آمده و به فاعل آن تصریح نشده است.

نکته‌ای که پیش از پرداختن به بررسی برخی آیات تحت این عنوان قابل ذکر است این است که حقیقتاً چه کسی اعمال سوء بدکاران را در نظرشان زیبا جلوه می‌دهد، خداوند، هوای نفس یا شیطان؟ اما حقیقت این است که چون خداوند این اثر را در عمل آنها آفریده، می‌توان آن را به خدا نسبت داد. زیرا انسان‌ها هنگامی که گناهی را مرتکب می‌شوند در آغاز، فطرتشان پاک، وجدانشان بیدار و عقلشان واقع‌بین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۱۴۱).

با توجه به آیات به نظر نمی‌رسد که زینت یافتن عمل توسط شیطان جن و انس و جاذبه آن منحصر به نوجوانان و دوران نوجوانی باشد، اگرچه در حکایت نوح \llcorner و فرزندش موج تبلیغاتی مخالفان، کنعان پسر نوح را در سنین جوانی به دور از دید پدرش به کام خود برد، به گونه‌ای که ترس از طوفان هم نتوانست او را به همراهی با پدر وا دارد ﴿وَنَادَى نُوْحٌ اِبْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ. قَالَ سَاوِيَ اِلَيَّ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ﴾ (هود: ۴۳ و ۴۲).

۲-۵- زینت علم و حکمت

چنانکه در بخش معنانشناسی آورده شد، از جمله زینت‌ها، می‌تواند به «زینت علم و حکمت» اشاره کرد که در حقیقت زینت نفس است. جوان که در ایام جوانی به اوج رشد شناختی می‌رسد می‌تواند درک درستی از مقولات انتزاعی داشته باشد و در صورت ظهور قابلیت‌ها می‌تواند به زینت علم و حکمت آراسته گردد. تعبیر «بلغ اشدّه» در آیات قرآنی به معنای این است که: انسان آن قدر زنده بماند و عمر کند تا نیروهای بدنش به حدّ قوت و شدت برسد و این غالباً در سن هجده سالگی صورت می‌گیرد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۴). گرچه برخی آن را تا سی سالگی دانسته‌اند که این ایام مطابق دوره جوانی است (طبرسی، بی‌تا: ۵/۳۳۹).

برابر آیات قرآنی، مال یتیم تا قبل از سنّ جوانی می‌تواند در اختیار قیّم باشد و بعد از بلوغ واقعی، که تنها به رشد جسمی و نیروی جنسی نبوده، بلکه به کمال فکر و عقل نیز وابسته است،

(قرآنی، ۱۳۸۸: ۵۸۴/۲) می‌تواند در اختیار جوان قرار گیرد تا خود تدبیر اقتصادی اموال خویش را داشته باشد ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ﴾ (انعام: ۱۵۲). از سویی در آیه‌ای دیگر، یوسف ﷻ آنگاه به خلعت علم و حکمت آراسته می‌شود که به ایام جوانی می‌رسد و کمال خلقت و اعتدال در وجودش محقق می‌گردد ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (یوسف: ۲۲). چنانکه در مورد موسی ﷻ نیز اینگونه بود ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (قصص: ۱۴).

حکمت را که برخی جز حکم نبوت، قوه درک، بینش و تمیز حق و باطل دانسته‌اند حاصل نمی‌شود، مگر آنکه شخص مراحل رشد را طی کند و ایام کودکی را پشت سر نهند و به جوانی برسد (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۵).

۲-۶- زینت، اسراف و افراط

روحیه آرمان‌گرایی و کمال‌طلبی جوان و جاذبه‌ای که نعمات دنیوی برای او دارد ممکن است او را به دام اسراف و افراط بکشاند و در نهایت اسراف و افراط در تمتع و بهره‌گیری از زخارف دنیوی زمینه‌ساز تزئین زشتی‌ها بشود ﴿زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (یونس: ۱۲). البته اسراف تنها در مورد نعمت‌های مادی مطرح نیست بلکه استفاده نابجا از هرگونه نعمتی اسراف است. چنانکه بیان شده: «اسراف هم در مورد نعمت‌های بیرونی مطرح است و هم درباره نعمت‌های درونی. مثلاً از اولین لحظه‌ای که ارتکاب گناه در فکر انسان خطور می‌کند، قبل از ارتکاب، اسراف در نفسش پیدا می‌شود. یعنی او این پدیده فکری و علمی و نیز عملی یعنی عزم و اراده را بیجا مصرف می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع آیات مربوط به گرایش «زینت» و اوصاف آن از منظر قرآن، و پیوند این گرایش با دوره جوانی می‌توان گفت: همه خصوصیات ذکر شده در آیات قرآنی در مورد گرایش «زینت» انحصاراً مرتبط با دوره جوانی نیست. هرچند با توجه به ویژگی‌های دوره جوانی، ظهور و پدیداری این گرایش می‌تواند در این ایام باشد. از منظر قرآنی زینت‌های طبیعی از آیات الهی هستند و از این جهت مذموم نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹۹/۱۳) و می‌توان مطابق دستورات شریعت از

همه آنها بهره برد. با این همه از دیدگاه وحی، آنچه در طبیعت است، خداوند سبحان زینت و زیور دنیا یا زیور ارض می‌نامد نه زیور انسان. به همین لحاظ تشخیص «زینت ارض» از «زینت قلب» چندان دشوار نیست، و زینت اصلی برای انسان از منظر قرآن «ایمان» است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۲۹/۲). بنابراین جوانان ستوده شده قرآنی، همگی به «زینت ایمان» آراسته شده‌اند. همچنین نعمت‌ها و زینت‌های دنیا همچون جوانی که خرمی و بهاری دارد، فصل خزان و پزیردگی هم دارند (همان) و این نعمت‌ها در برابر نعمت‌های سرای باقی متاعی اندک و زودگذرند. لذا بهترین فرصت برای بهره‌مندی شایسته از این نعمت‌ها، غنیمت دانستن بهار جوانی؛ آراستن جان به زینت ایمان و نیز آگاهی یافتن و عمل در محدوده‌ای است که شریعت، بهره‌مندی از زینت‌های دنیوی را تعیین نموده است، تا در سایه آن میوه انسان کرامت‌مند قرآنی به بار نشیند.



کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم؛
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة؛
۳. ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (بهار ۱۳۸۷)، «خودآرایی و خودنمایی از دیدگاه اسلام»، فصلنامه خط اول، شماره ۴، ص ۹۳؛
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالتراث العربی؛
۵. بابایی، احمد علی (۱۳۸۲ ش)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة؛
۶. برک، لورا (۱۳۹۰ ش)، روان‌شناسی رشد، مترجم: یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران، چاپ هجدهم؛
۷. جوادی آملی، عبدالله (الف)، (۱۳۸۸ ش)، اسلام و محیط زیست، تحقیق: عباس رحیمیان، قم: نشر اسراء، چاپ پنجم؛
۸. _____، (ب)، (۱۳۸۸ ش)، تسنیم، تحقیق: محمدحسین الهی‌زاده، قم: نشر اسراء، چاپ دوم؛
۹. _____، (۱۳۸۹ ش)، تسنیم، تحقیق: علی اسلامی، قم: نشر اسراء، چاپ ششم؛
۱۰. _____، (۱۳۸۷ ش)، مبادی اخلاق در قرآن، تحقیق: حسین شفیعی، قم: نشر اسراء، چاپ ششم؛
۱۱. حسینی، سید ابراهیم (دی‌ماه ۱۳۸۳)، «عفاف و مصونیت اجتماعی، فلسفه حجاب اسلامی»، معرفت، شماره ۸۵؛
۱۲. دایان ای، پاپالیا، سالی، وندکاس، الدز، روت داسکین، فلدمن (۱۳۹۲ ش)، روان‌شناسی رشد و تحول انسان، مترجمان: داود عرب قهستانی، هامایاک آوادیس یانس، دکتر حمیدرضا سهرابی، فروزنده داورپناه، افسانه حیات روشنائی، دکتر سیامک نقشبندی، تهران: انتشارات رشد، چاپ دوم؛
۱۳. سجادی، سید ابراهیم (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، «جوان در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۶ و ۴۷، ص ۲۷۸؛

۱۴. سلیمانی فر، ثریا (۱۳۸۵ ش)، «شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت»، بینات، شماره ۵۱، ص ۵۱؛
۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ ق)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مؤلف؛
۱۶. _____، (۱۳۶۵ ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی؛
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه؛
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصححان: فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو؛
۱۹. علیزاده، معصومه (۱۳۸۵ ش)، «جمال و جوانی»، حدیث زندگی، سال اول، شماره اول، ص ۳۲؛
۲۰. فخرایی، فرزانه، اسلامپورکریمی، حسن (بهار ۱۳۸۹)، «نگاهی کوتاه به زینت و خودآرایی از منظر آیات و روایات»، بانوان شیعه، شماره ۲۳، ص ۱۶۹؛
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم؛
۲۲. فلسفی، محمدتقی (۱۳۴۴ ش)، «جوان و زیبایی»، درس هایی از مکتب اسلام، شماره اول، ص ۸؛
۲۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ ش)، تفسیر أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت؛
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ ش) بهار زندگی (برگرفته از حکمت نامه جوان)، با همکاری: احمد غلامعلی، گزینش: مرتضی خوش نصیب، ترجمه: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث؛
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲ ش)، فطرت، تهران: صدرا؛
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة؛